

﴿وَالْمُؤْمِنُونَ  
وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ  
يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ  
الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ  
سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾ (توبه، ۷۱)

مردان و زنان باایمان ولیّ یکدیگرند؛ به کارهای نیک و شایسته فرمان می‌دهند و از کارهای زشت و ناپسند بازمی‌دارند، و نماز را برپا می‌کنند، و زکات می‌پردازند، و از خدا و پیامبرش اطاعت می‌نمایند؛ به زودی خدا آنان را مورد رحمت قرار می‌دهد؛ زیرا خدا توانای شکست‌ناپذیر و حکیم است.

**۹. حق برادری در پرتوی  
واجب فراموش شده!**

كَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْكُمْ قُوَّةً وَأَكْثَرَ أَمْوَالًا  
 وَأَوْلَادًا فَاسْتَمْتَعُوا بِخَلْقِهِمْ فَاسْتَمْتَعْتُمْ بِخَلْقِكُمْ  
 كَمَا اسْتَمْتَعَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ بِخَلْقِهِمْ وَخُضْتُمْ  
 كَالَّذِي خَاضُوا أُولَئِكَ حَطَّتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا  
 وَالْآخِرَةِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ﴿٦٩﴾ الْمَرِيَّاتِهِمْ  
 نَبَأَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ وَقَوْمِ  
 إِبْرَاهِيمَ وَأَصْحَابِ مَدْيَنَ وَالْمُؤْتَفِكَاتِ أَتَتْهُمُ رُسُلُهُمْ  
 بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانُوا لِيُظْلَمَهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا  
 أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ﴿٧٠﴾ وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ  
 أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ  
 وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ  
 وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ  
 ﴿٧١﴾ وَعَدَّ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا  
 الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتٍ عَدْنٍ  
 وَرِضْوَانٍ مِّنَ اللَّهِ أَكْبَرَ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿٧٢﴾



تلاوت كنیم

نکات حفظ



ترتیل



حفظ كنیم



## پنجه در پنجه شیطان!

در بخش سوم بیان شد که چگونه خداوند متعال بر اساس سنت‌هایش، در مقابل جبهه حق به سردمداری انبیا علیهم‌السلام، لشکری از شیاطین جنی و انسی قرار داده است که این لشکر شیطانی با یکدیگر هم‌فکری و همکاری دارند. ابلیس قسم خورده است همه آدمیان را بفریبد و در این مسیر، تمام تلاش خود را در دشمنی با انسان به کار می‌گیرد. حمله‌های بی‌امان او و سپاهیان‌ش، تمام ابعاد زندگی انسانی را درمی‌نوردد و لحظه‌ای غفلت، سقوط و بندگی شیطان و خروج از ولایت الهی را به همراه دارد؛ برای مثال بیان شد که هجمه رسانه‌ای لشکر شیطان چگونه موجب فتنه‌هایی با موضوع بانوان و خانواده شده است.



## خانواده‌ای به وسعت ایران

اما سوآلی که به دنبال این فتنه‌ها مطرح شده و اهمیت یافته آن است که وظیفه سایر مؤمنین در مقابل این حملات شیطان و احتمال سقوط

اطرافیان چیست؟ آیا مؤمنین باید برای تقویت وحدت و یکدستی جامعه، در برابر اشتباه دیگران سکوت کنند؟ آیا باید تمام همت خود را فقط صرف خود و خانواده خودشان کنند؟ یا در خصوص لغزش‌های فکری و عملی دیگران نیز وظیفه و مسئولیتی دارند؟ مبنای مسئولیت عمومی مؤمنین در برابر دیگران چیست؟ آیا امر به معروف، باعث ایجاد دوقطبی و دودستگی در جامعه نمی‌شود؟ و ...

برای یافتن پاسخ این سؤال‌ها باز هم سراغ آیات قرآن می‌رویم. در نبرد همه‌جانبه شیطان و انسان، خداوند متعال از سر رحمتش انسان را بی‌پناه رها نکرده و در مقابل چنین دشمن تائین دندان مسلحی، توانایی جمعی مقابله و مبارزه را در وی به‌ودیعه نهاده است. یکی از ابزارهای انسان در این مقابله، نهاد خانواده است که در قسمت‌های پیشین، درباره جایگاه آن و دستور خداوند به نگهداری این سنگر در مقابل حملات شیطان گفت‌وگو کردیم؛ بر این اساس به انسان دستور داده شده است تا از سر شفقت و مهربانی به خانواده‌اش، از آن‌ها در برابر سقوط در دام‌های آتشین شیطان نگاهیانی کند.

جالب اینجاست که همین الگوی مراقبت جمعی در نهاد خانواده، در ابعاد بزرگ‌تری در جامعه نیز تسری می‌یابد؛ بر این اساس، مانند خانواده‌ای گسترده، مؤمنین با یکدیگر برادرند<sup>۱</sup> و سایه پدري رسول الله ﷺ و امیرالمؤمنین علیهم السلام را بر سر خویش دارند.<sup>۲</sup> این رابطه

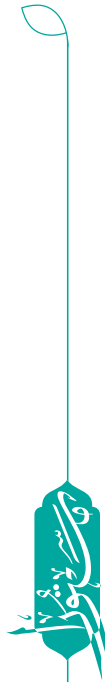
۱. الحجرات / ۱۰: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ»

«جز این نیست که همه مؤمنان با هم برادرند»

۲. «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: أَنَا وَعَلِيٌّ أَبَوَا هَذِهِ الْأُمَّةِ»؛ «من و علی، پدران این امتیم» (شیخ صدوق،

علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۲۷).





برادری بین مؤمنین که از آن به «اخوت ایمانی» و «ولایت بین مؤمنین» تعبیر می‌شود، وظایفی را برای هریک از آن‌ها در پی دارد که بی‌توجهی به مسائل دنیایی و آخرتی یکدیگر را نفی می‌کند؛ یعنی خانواده به‌عنوان سنگر مبارزه با شیطان، در ابعاد بزرگ‌تری در رابطه برادری بین مؤمنین نیز بازسازی شده است.

### به هم پیوستگی و هم‌جبهگی و اتصال شدید مؤمنان

به بیان دیگر قرآنی، هر دو جریان نور و ظلمت، در قرآن کریم به دو درخت مثال زده شده است؛ یک سو درخت ناپاکی است که بی‌ریشه است و پایداری و استقامت زیادی ندارد و در سوی مقابلش، درخت پاکی است که ریشه‌اش استوار و شاخه‌های پُرمروش در آسمان است.<sup>۱</sup> با دقت در این تمثیل روشن می‌شود که چگونه ارتباط ناگسستنی مؤمنین با یکدیگر در شبکه ولایی، رابطه هر شاخه را با تنه و ریشه برقرار می‌سازد و بر ثمره‌های این درخت روزبه‌روز می‌افزاید.

ولایت یعنی به هم پیوستگی و هم‌جبهگی و اتصال شدید یک عده انسانی که دارای یک فکر واحد و جویای یک هدف واحدند، در یک راه دارند قدم برمی‌دارند، برای یک مقصود دارند تلاش و حرکت می‌کنند، یک فکر را و یک عقیده را پذیرفته‌اند. هرچه بیشتر

۱. ابراهیم / ۲۴ تا ۲۶: ﴿الَّذِينَ كَفَرُوا كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَجَعَلْنَا لِكَلِمَةٍ طَيِّبَةٍ أَضْطِهَابًا ثَوْبًا وَفَرَعًا فِي السَّمَاءِ ۚ تُؤْتِي أَكْثَمَهَا كُلَّ حِينٍ وَإِذْ نَسُوا اللَّهَ فَنَسُوا نَفْسَهُمْ كَلِمَةً كَلِمَةً حَبِيبَةً حَبِيبَةً اجْتَنَبْتُمْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ ۗ﴾

«آیا ندانستی که خدا چگونه مثلی زده است؟ کلمه پاک مانند درخت پاک است؛ ریشه‌اش استوار و پابرجا و شاخه‌اش در آسمان است. (۲۴) میوه‌اش را به اجازه پروردگارش در هر زمانی می‌دهد. و خدا مثل‌ها را برای مردم می‌زند تا متذکر حقایق شوند. (۲۵) و مثل کلمه ناپاک مانند درخت ناپاک است که از زمین ریشه‌کن شده و هیچ قرار و ثباتی ندارد. (۲۶)»

افراد این جبهه باید به همدیگر متصل باشند و از جبهه‌های دیگر و قطب‌های دیگر، خودشان را جدا و کنار بگیرند؛ چرا؟ برای اینکه از بین نروند، هضم نشوند. این را در قرآن می‌گویند ولایت.<sup>۱</sup>

ولایت رابطه‌ای دوسویه است که هم به صورت طولی و عمودی در رابطه فرد با امام جامعه، همان تنه اصلی درخت، رخ می‌نماید و هم به صورت عرضی در رابطه ولایی بین مؤمنین، شاخه‌های شجره طوبی، با یکدیگر تبلور پیدا می‌کند.

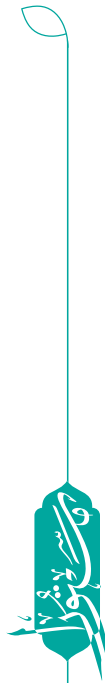
## ولایت عرضی

آیه آغازین این قسمت، همین رابطه «ولایت عرضی» میان مؤمنین را بیان می‌کند که در آن مؤمنین هرکدام ولی یکدیگرند: «**الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ**». جالب آنکه چند آیه پیش‌تر، رابطه میان منافقین با الفاطی شبیه به همین بیان شد، بدون آنکه از واژه «اولیاء» استفاده شده باشد.<sup>۲</sup> این نکته بیان‌کننده این حقیقت است که هرچند غیرمؤمنین نیز کارهای به ظاهر جمعی دارند، روح ولایت میانشان وجود نداشته و آن‌ها صرفاً مانند دانه‌های پراکنده‌ای گرد هم آمده‌اند؛ به همین دلیل هرگاه منافع شخصی آن‌ها در تعارض با منافع جمعی قرار گیرد، خیانت ورزیده

۱. سیدعلی خامنه‌ای، طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن.

۲. التوبة / ۶۷: «**الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمُنْكَرِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ وَيَقْبِضُونَ أَيْدِيَهُمْ نَسُوا اللَّهَ فَنَسِيحُهُمْ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ هُمُ الْفَاسِقُونَ**»

«مردان و زنان منافق همانند و مشابه یکدیگرند، به کار بد فرمان می‌دهند و از کار نیک باز می‌دارند و از انصاف در راه خدا امساک می‌ورزند، خدا را فراموش کردند و خدا هم آنان را از لطف و رحمت خود محروم کرد؛ یقیناً منافقانند که فاسقند.»



و همدیگر را تنها می‌گذارند.<sup>۱</sup> افراد این جامعه به سبب تعارض منافی که با یکدیگر دارند در به کناره راندن یکدیگر برای جلب منافع شخصی بیشتر سعی می‌کنند. در چنین رابطه‌ای، شخصی که مسئولیت خود در ولایت عرضی را به جا نیاورد، رابطه طولی ولایت خدا و ولی الهی را نیز نپذیرفته و نمی‌تواند از عهده وظایف خویش در خصوص عبودیت خدا و اطاعت از ولی او بریاید. بر این اساس، آن‌ها خدا را فراموش کرده‌اند و خدا نیز آن‌ها را از رحمت خود محروم می‌فرماید.

### تقویت اخوت و برادری

در مقابل، مؤمنین مقید به تثبیت و تقویت رابطه ولایت طولی و عرضی در شبکه نوری ولایی‌اند. از آنجا که هر جا سخن از ولایت می‌شود، پای وظایف و حقوقی نیز در میان است، در همان آیه آغازین بحث پس از آنکه از ولایت مؤمنین بر یکدیگر سخن رفته است، وظایف جمعی برادران مؤمن در این شبکه نوری ولایی نیز بیان شده است. در نتیجه، تثبیت و تقویت ولایت الله از طریق نماز، تثبیت و تقویت رابطه میان مؤمنین از طریق «امر به معروف و نهی از منکر»، پرداخت واجبات مالی و اطاعت از خدا و ولی الهی ممکن می‌شود که در نهایت رحمت الهی را به همراه دارد: «**أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ**».

### حق برادری

امر به معروف و نهی از منکر یکی از واجبات مهم الهی است که با تعریف مسئولیت ایمانی در حوزه عمومی، نقش ویژه‌ای در اصلاح لغزش‌ها و

۱. الحشر / ۱۴: «**تَخَسَّبُ لَهُمْ جِمْعًا وَقُلُوبُهُمْ شَتَّى**» «تو آنان را متحد می‌بینی ولی دل‌هایشان پراکنده است.»

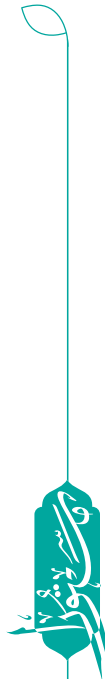


ترمیم اختلال‌های ایمانی دیگر افراد جامعه ایفا می‌کند. در مقابل این بازار کنترل اجتماعی، شیطان نیز بی‌کار ننشسته و ترفندهای مختلفی را برای خنثی‌سازی آن به‌کار می‌بندد. متأثر از وسوسه‌های او، برخی این واجب الهی را ترک کرده یا کارویژه بودن آن را باور ندارند. به عقیده آنان، التزام به این واجب الهی، جامعه را چندقطبی می‌کند و نوعی دخالت در امور دیگران به حساب می‌آید. این افراد در خصوص شخصی که خلاقی انجام داده یا مرتکب گناهی می‌شود، چنین باور نادرستی دارند که او خودش به تنهایی در قبال قانون یا در مقابل خدای متعال پاسخ‌گوست و دیگران وظیفه‌ای در خصوص او ندارند. آنان هم خود، این واجب مهم را ترک کرده‌اند و هم از دیگر مؤمنینی که قصد امر به معروف دارند ممانعت می‌کنند و به برخی دلایل واهی یا برداشتهای ناصحیح از ضرب‌المثل‌ها<sup>۱</sup> نیز تمسک می‌جویند.

### طرح ابلیس

اما طرح آسمانی برای مقابله جمعی مؤمنین با شیطان، دقیقاً نقطه مقابل چنین دیدگاهی است. چنانکه بیان شد رابطه ولایی میان مؤمنین، خود را در مسئولیت رفتاری آنان در خصوص یکدیگر نشان می‌دهد که در امر به معروف و نهی از منکر متبلور است. انسان مؤمن لغزش هرکدام از اعضای جامعه ایمانی را ضربه‌ای به پیکره امت اسلام و آفتی به شاخه‌های این درخت تناور می‌داند و در مقابل ترک امور شایسته و یا انجام کارهای

۱. برای مثال: «موسی به دین خود، عیسی به دین خود»، «هرکس را در قبر خود می‌گذارند»، «نرود میخ آهنین در سنگ»، «خواهی نشوی رسوا، هم‌رنگ جماعت شو»، «با یک گل بهار نمی‌شود»، «آب که از سرگذشت، چه یک وجب چه چند وجب».



ناشایست توسط هریک از اعضای این خانواده بزرگ، ساکت نمی‌ماند. دل‌سوزی و خیرخواهی برای برادران، باعث می‌شود مؤمنین در خصوص یکدیگر احساس مسئولیت کرده و در مراقبت جمعی، یکدیگر را از سقوط در آتش برحذر دارند.

### امر به معروف و دو قطبے سازی!

بر اساس آیه ۱۰۳ سوره مبارکه آل عمران ایجاد الفت و برادری میان مؤمنین، نعمتی از سوی خداوند متعال در مسیر رهایی جامعه ایمانی از آتش است: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا» خداوند متعال در آیه بعد نیز بلافاصله دستور امر به معروف و نهی از منکر می‌دهد: «وَلَتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» که در حقیقت شکر عملی آن نعمت «برادری ایمانی» بوده و خودش مجدداً سبب تقویت رابطه ولایی و ایجاد وحدت و انس بیشتر میان افراد جامعه می‌شود. جالب است که در آیه بعدی در پرتو آیه امر به معروف باز خداوند مؤمنان

۱. آل عمران / ۱۰۳ و ۱۰۴: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿۱۰۴﴾»  
«و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده و گروه‌گروه نشوید و نعمت خدا را بر خود یاد کنید آنگاه که با یکدیگر دشمن بودید؛ پس میان دل‌های شما پیوند و الفت برقرار کرد. در نتیجه به رحمت و لطف او با هم برادر شدید و بر لب گودالی از آتش بودید؛ ولی شما را از آن نجات داد. خدا این‌گونه، نشانه‌های خود را برای شما روشن می‌سازد تا هدایت شوید (۱۰۳) و باید از شما گروهی باشند که به سوی خیر دعوت نمایند، و به کار شایسته و پسندیده وادارند، و از کار ناپسند و زشت بازدارند و اینانند که یقیناً رستگارند (۱۰۴).»



را از اختلاف و دودستگی بازمی‌دارد.<sup>۱</sup> با این توضیح در منطق قرآنی، امر به معروف نه تنها عامل تفرقه و دوقطبی شدن نیست، بلکه لازمه وحدت و یکپارچگی امت اسلامی به شمار می‌رود؛ از همین روست که ترک این وظیفه و سکوت مؤمنین در مقابل فعل ناپسند فردی که در حال سوراخ کردن کشتی جامعه ایمانی است، «عقوبت الهی» را به همراه خواهد داشت و حتی «مذمت و مؤاخذة عقلایی» نیز در پی دارد که از قدیم گفته‌اند:

چومی‌بینی که نابینا و چاه است اگر خاموش بنشینی گناه است بر اساس همان آیه ۶۷ سوره توبه که بیان شد، مسئولیت عمومی و امر و نهی اجتماعی حتی در میان منافقین نیز رواج دارد؛ با این تفاوت که آنان در مسیر مقابله با جامعه دینی، یکدیگر را امر به بدی‌ها و نهی از نیکی‌ها می‌کنند. پس اصل اثرگذاری این پدیده اجتماعی، حتی مورد قبول و عمل منافقین نیز است؛ با این حال، امروزه اوضاع تمدن غرب به عنوان جامعه‌ای که افراد آن غالباً احساس مسئولیتی در قبال یکدیگر ندارند، پیش روی ماست. آمارهای تکان دهنده بزه‌های اجتماعی و انحطاط اخلاقی، محصول ترک مسئولیت افراد در قبال گام‌های سقوط، و جایگزینی فرهنگ ناصواب «عافیت طلبی» به جای «مسئولیت اجتماعی» است.

### واجب فراموش شده

پس در جامعه‌ای که مؤمنین با یکدیگر برادرند، بر اساس خیرخواهی، امر به معروف و وظیفه دینی و عقلی همگانی محسوب می‌شود که با

۱. آل عمران / ۱۰۵: ﴿وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾

تقویت رابطه ولایت عرضی مؤمنین، وحدت را به ارمغان آورده و رابطه طولی ولایت را نیز تثبیت و تقویت خواهد کرد. رهبری معظم درباره این «فریضه فراموش شده» چنین فرموده‌اند:

من می‌خواهم این واجب فراموش شده اسلام را به یاد شما و ملت ایران بیاورم: امر به معروف و نهی از منکر<sup>۱</sup>. هرچند فریضه امر به معروف و نهی از منکر یکی از بزرگ‌ترین واجبات اسلامی است و توصیه به آن در قرآن و گفتارهای پیامبر خدا ﷺ و امیر مؤمنان علی‌السلام و دیگر امامان علیهم‌السلام دارای لحنی کم‌نظیر و تکان‌دهنده است، ولی اگر کسی از این همه چشم‌پوشی کند و تنها به ندای خرد انسانی گوش بسپرد، باز هم بی‌شک این عمل سازنده را فریضه و تکلیف خواهد شمرد. به نیکی خواندن و از بدی برحذر داشتن را کدام خرد سالم، ستایش نمی‌کند؟ ... عمل به این وظیفه، تضمین‌کننده دوام و استحکام حکومت صالحان است و رها کردن و به فراموشی سپردن آن، زمینه‌ساز سلطه اشرار و نابکاران<sup>۲</sup>. نگذاریم «منکر»، «معروف» و «معروف»، «منکر» شود.... یک نفر بگوید، دو نفر بگویند، ده نفر بگویند؛ بالاخره طرف مجبور می‌شود ترک کند؛ یعنی اگر بارها گفته شد، روحاً مغلوب می‌گردد. من همین امر به معروف و نهی از منکر زبانی را، ولو به شکل خیلی راحت و آرام و بدون هیچ خشونت و دعوایی، واقعاً یکی از معجزات اسلام می‌دانم.<sup>۳</sup> هیچ اجتماع بشری

۱. بیانات معظم له در دیدار اقشار مختلف مردم قم، مورخ ۱۳۶۸/۱۰/۱۹

۲. پیام معظم له به نخستین اجلاس پژوهشی امر به معروف و نهی از منکر، مورخ ۱۳۷۹/۸/۲۳.

۳. بیانات معظم له در جلسه پرسش و پاسخ مدیران مسئول و سردبیران نشریات دانشجویی، مورخ ۱۳۷۷/۱۲/۴.

نیست که در آن، فساد به وجود نیاید. بعضی کسان تا چشمشان به مظاهر فساد می‌افتد، می‌گویند «پس مسئولین کجایند که بیایند فساد را از بین ببرند؟!». ... محیط جامعه باید به‌گونه‌ای باشد که اگر در آن فساد پدیدار شد، فرصت رشد پیدا نکند و زود از بین برود. مثل جریان‌های عظیم آب... عوامل استکبار، امروز فیلم بد درست می‌کنند، نوار بد درست می‌کنند، حرف‌های بد درست می‌کنند، شعر بد می‌گویند، داستان بد می‌نویسند و این همه را، در داخل کشور، بین نوجوانان، جوانان و مردم عادی پخش و منتشر می‌کنند و یا از طریق ماهواره، رواج می‌دهند... با این همه،... توجه از جوانب مختلف و امر به معروف و نهی از منکر، نمی‌گذارد دشمن پیروز شود.<sup>۱</sup>

بر اساس مطالب پیش‌گفته، هدف اصلی شیطان در لابه‌لای تمام وسوسه‌هایش، از بین بردن آرامش انسان است؛ آرامشی که خداوند متعال در ازدواج و تشکیل خانواده قرار داده است. بر این اساس، خانواده‌کانون‌های بی‌امان شیطان قرار گرفته است. اگر شیاطین انسی امروزی با ابزار رسانه و تبلیغات بتوانند فرهنگ برهنگی و ابتدال را گسترش دهند، با انهدام خانواده‌ها روبه‌رو می‌شویم. همچنین از طرفی اعضای خانواده در قبال اعمال یکدیگر مسئول هستند و اگر عضوی عملی ناپسند انجام داد شایسته و بایسته نیست که دیگران سکوت کنند. از طرف دیگر، جامعه ایمانی به‌منزله خانواده‌ای است در مقیاس بزرگ‌تر؛ پس حق برادری در نجات دیگران از مسیرهای انحرافی باید ادا

۱. بیانات معظم‌له در دیدار روحانیون و مبلغان، مورخ ۱۳۷۵/۲/۲۶.



شود و این حق برادری، مسئولیت بزرگ و مهم «امر به معروف» و «نهی از منکر» است. هر چه قدر اخوت و برادری و ولایت بین مؤمنین در جامعه تقویت شود، اثرگذاری امر به معروف بیشتر و هر چه امر به معروف بیشتر، برادری و دوستی بیشتر.



﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ  
 يَعْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا  
 فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا  
 يَصْنَعُونَ ﴿٣٠﴾ وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَعْضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَ  
 يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ  
 بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ﴾ (نور، ۳۰ و ۳۱)

به مردان مؤمن بگو چشمان خود را [از حرام] فرو  
 بندند، و شرمگاه خود را حفظ کنند، این برای آنان  
 پاکیزه‌تر است. قطعاً خدا به کارهایی که انجام  
 می‌دهند، آگاه است (۳۰) و به زنان باایمان بگو  
 چشمان خود را از آنچه حرام است فرو بندند، و  
 شرمگاه خود را حفظ کنند، و زینت خود را مگر  
 مقداری که [طبیعتاً] پیدا است [در برابر کسی] آشکار  
 نکنند، و [برای پوشاندن گردن و سینه] مقنعه‌های  
 خود را به روی گریبان‌هایشان بیندازند... (۳۱).

**۱۰. زدست دیده‌ودل...**